

وقتی آمد علی شهید شده بود



■ موضوع: نخستین بانوی آزاده
■ شرح: ۳ سال حضور در اردوگاه اسرای
ایرانی

قصه فراق رزمندگانی را که بهترین سال‌های عمرشان در اردوگاه‌های عراق سپری شد، به سختی می‌توان روایت کرد. تاکنون روایت‌های مختلفی درباره رشادت آزاده‌های ایرانی نقل شده اما وقتی پای بانوان آزاده در میان باشد ماجرا شنیدنی‌تر می‌شود.

پاییز سال ۱۳۵۹ بود که ۴ دختر ایرانی در عملیات دزفول به اسارت نیروهای عراقی درآمدند و از بین آنها فاطمه ناهیدی تنها بانویی بود که در خط مقدم به اسارت درآمد. او در یکی از خطوط مقدم نزدیک به شلمچه و هنگام انتقال مجروحان در محاصره نیروهای

بعثی قرار گرفت و از همان روز، زندگی در اسارت را تجربه کرد. ناهیدی درباره اجرای اعزام به جبهه جنوب می‌گوید: «بعد از پیروزی انقلاب در رشته مامایی فارغ‌التحصیل شدم و تصمیم گرفتم به کمک مردمی بروم که در مناطق محروم زندگی

می‌کردند. در آن سال‌ها ابتدا از پایگاه‌های تهرانپارس و شرق تهران به اکیب‌های جهاد سازندگی و مدتی بعد به اکیب‌های کمیته امداد امام خمینی راه پیدا کردم و به مناطق محروم رفتم. در شهر بم بودم که جنگ شروع شد. وقتی خبر شروع جنگ را شنیدم در قالب یک گروه امدادی به جبهه‌های جنوب رفتم و در ایلام، سرپل ذهاب، گیلانغرب و خرمشهر حضور داشتم.»

فاطمه ناهیدی ۲۱ روز بعد از حضور در جبهه‌های جنوب و در ۲۴ سالگی به اسارت درآمد و ۳ سال و ۴ ماه از بهترین روزهای عمرش را در اردوگاه اسرای ایرانی به سر برد. او با نقل خاطراتی از دوران اسارتش می‌گوید: «در ماه‌ها و سال‌های اسارت، بیش از هر چیزی دلتنگ علی، برادر کوچک‌ترم بودم. مخاطب همه نامه‌هایی که برای خانواده‌ام می‌نوشتیم علی بود. وقتی اسیر شدم، هم‌زمان علی در جبهه می‌گفتند مدام یک گوشه‌ای می‌نشست و از سر دلتنگی گریه می‌کرد. بهمن ۱۳۶۲ که در تبادل اسرا به کشور برگشتیم ۳ روز در سرخه‌حصار تهران قرنطینه بودیم اما پدرم از وزارت بهداشت اجازه گرفته بود که تلفنی با هم حرف بزنیم. در نخستین ارتباط تلفنی از پدرم پرسیدم حال علی چطور است؟ پدرم گفت تو به خانه بیا؛ از علی هم برایت می‌گویم. قرنطینه تمام شد و من به محله و خانه پدری‌ام در تهرانپارس برگشتم اما از علی خبری نبود. وقتی گریه‌های پدرم را دیدم متوجه شدم علی شهید شده است.» ناهیدی اکنون عضو هیأت علمی دانشکده علوم پزشکی دانشگاه شهید بهشتی است و به‌عنوان استاد دانشگاه فعالیت می‌کند.



اما جنگ شروع شد و به جبهه اعزام شدم. در عملیات خیر بود که آموزش‌های نظامی به کار آمد و اسلحه به‌دست گرفتم. وقتی رزمنده آرپی‌جی زن ما مجروح شد، سلاحش را برداشتم و به سمت تانک‌های عراقی شلیک کردم تا جلوتر نیایند. بعد که نیروهای کمکی رسیدند خیلی مورد تشویق قرار گرفتم.»

آمنه وهاب‌زاده که اکنون در محله اکباتان زندگی می‌کند، جانباز شیمیایی ۷۰ درصد است؛ او یکی از شیرزنان جبهه‌های جنوب بود که به خط مقدم راه پیدا کرد و در عملیات خیر به درجه جانبازی نایل شد. او همراه با شهید چمران در عملیات‌های چریکی هم حضور داشته و هم‌رزم شهید همت هم بوده است.



بانوی تهرانی در خط مقدم جبهه

■ موضوع: خاص‌ترین رزمنده
■ شرح: بانوی امدادگری که «آرپی‌جی» زن شد

جبهه می‌گوید: «نخستین بار در سومین روز جنگ بود که از بیمارستان فیروزآبادی به جبهه جنوب و ماهشهر رفتم و به‌عنوان راننده آمبولانس به کمک رزمنده‌ها رفتم. مدتی بعد، آموزش‌های تکمیلی امدادگری و نظامی را پشت سر گذاشتم و به‌عنوان رزمنده به جبهه رفتم.»

وقتی آمنه وهاب‌زاده بعد از مجروح شدن یکی از رزمنده‌ها سلاح آرپی‌جی را برمی‌دارد و تانک‌های دشمن را هدف قرار می‌دهد، یکی از نمادین‌ترین لحظات دوران دفاع مقدس رقم می‌خورد. او درباره گذراندن دوره‌های نظامی در تهران می‌گوید: «بعد از پیروزی انقلاب، امام فرمودند ۲۰ میلیون بسیجی داریم که باید دست به اسلحه باشند. همان موقع برای گذراندن دوره مقدماتی آموزش نظامی به پادگان جی رفتم. دوره‌های پرتاب نارنجک و آرپی‌جی را هم گذراندم و به دانشکده افسری که الان دانشگاه امام علی (ع) نام دارد رفتم و آموزش‌های تکمیلی را پشت سر گذاشتم. می‌خواستم آموزش چتربازی هم ببینم

در نخستین روزهای دفاع مقدس یک رزمنده خاص از تهران به جبهه‌های جنوب اعزام شد و در خط مقدم دفاع از سرزمین مادری جای گرفت. بانو آمنه وهاب‌زاده، اصالت ایرانی داشت اما بنا به دلایلی سال‌ها در کربلا زندگی کرد و به محض شروع جنگ به آغوش میهن برگشت.

درباره حضور آمنه وهاب‌زاده در جبهه‌های جنوب روایت‌های بسیاری نقل شده و بدون تردید باید او را یکی از شناخته‌شده‌ترین رزمنده‌های دوران دفاع مقدس دانست. بانو وهاب‌زاده که دوره آموزش نظامی را پشت سر گذاشته بود در سومین روز شروع دفاع مقدس تحت عنوان نیروی امدادی به جبهه جنوب رفت اما مدتی بعد آرپی‌جی به‌دست گرفت و در خط مقدم جبهه با شجاعت بی‌مانندی تانک‌های دشمن را هدف قرار داد. او درباره نخستین روزهای حضورش در

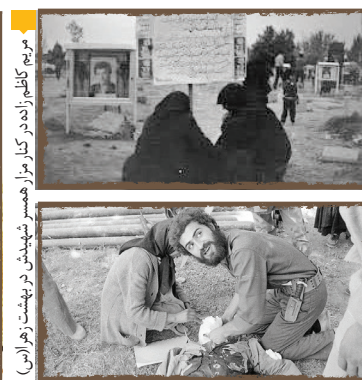


زنی که با دوربین به جنگ رفت

■ موضوع: نخستین بانوی عکاس و خبرنگار جنگ ایران و عراق
■ شرح: تنها زنی که به اتاق جنگ راه یافت

دوربین برمی‌داشت و در روزهای پیروزی انقلاب اسلامی به خیابان‌های تهران میان مردم می‌رفت و مشغول ثبت تصویری سنگرها، آمبولانس‌ها و زنانی که کفنشان، چادرشان بود می‌شد. مریم کاظم‌زاده، بانویی است که به او لقب نخستین زن عکاس و خبرنگار جنگ را داده‌اند.

شیرازی بود اما سال‌ها در تهران زندگی و در همین شهر نیز سال ۱۴۰۱ فوت کرد و در قطعه ۱۰۳ بهشت‌زهر (س) به خاک سپرده شد. اگرچه تحصیلاتش را در انگلیس تمام کرد اما با ورود امام خمینی به تهران، او نیز بار سفر بست و راهی وطن شد. مهرشاد کاظمی تهران‌پژوه درباره این بانوی فرهیخته می‌گوید: «زمانی که از تهران در روزگار جنگ صحبت می‌کنیم، نام شهروندانی از این شهر بی‌درنگ از مقابل چشمانمان می‌گذرد. مرحوم مریم کاظم‌زاده یک نمونه ماندگار از این شهروندان است. او از جمله زنانی بود که برای انتظاری که جامعه از او به‌عنوان یک زن داشت پا به پای مردان در جبهه‌ها برای ثبت و ضبط آن روزها تلاش کرد. وقتی امام در فرانسه بود به خدمت امام رفت. خودش در این باره می‌نویسد: «اولین چیزی که به ذهنم رسید این بود که از امام بپرسم، آیا یک دختر مسلمان می‌تواند خبرنگار باشد یا خیر؟ امام با خط خودشان برایم نوشتند «صل رسته اشکال ندارد، مگر اینکه حجاب رعایت نشود». این جمله امام حجت را بر من تمام و راه را برایم روشن کرد.» کاظم‌زاده از همان ابتدا به‌عنوان عکاس و خبرنگار جذب یک روزنامه در تهران شد. در غائله پاره برای تهیه



مریم کاظم‌زاده در کنار همسر شهید اصغر وصالی

مریم کاظم‌زاده در کنار همسر شهیدش در بهشت زهرا (س)

گزارش به آنجا رفت و با شهید اصغر وصالی آشنا شد و این آشنایی به‌ازدواج انجامید. بعد از شهادت اصغر وصالی تا اواخر سال ۱۳۶۲ به‌عنوان امدادگر در جبهه مشغول بود. سال ۱۳۶۳ به‌عنوان گزارشگر در مجله زن روز و بعد از مدتی در بخش گزارشگر اجتماعی کیهان مشغول به کار شد. از آنجا هم هر وقت شرایط برای خواهران مساعد بود، همراه دیگر همکاران خواهر باهدف تهیه خبر و گزارش به مناطق جنوب می‌رفت. کاظمی می‌گوید: «از مریم کاظم‌زاده چندین کتاب تصویری از انقلاب و جنگ چاپ شده است؛ تصاویری دیدنی از دریاچه لنز بانویی که عاشق کار و هدفش بود. او به‌عنوان عکاس در چندین مقطع در مناطق عملیاتی حضور داشت و تنها عکاس زنی بود که در دوران دفاع مقدس توانست به اتاق جنگ راه یابد و از نزدیک وقایع را عکاسی کند.» عکس‌های مریم کاظم‌زاده برای نخستین بار در سال ۱۳۹۴ در نمایشگاهی در خانه هنرمندان ایران به نمایش درآمد.